



سومین همایش ملی
بانوکشور اسلام
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

خدیجه (س) همسری صدیقه

زهرا شاه ثمن^۱

چکیده

در فرهنگ قرآنی و کلام روایی ائمه معصوم (ع)، نام و نام‌گذاری و القاب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حضرت خدیجه (س) از پیش از اسلام با القاب نیکوی بسیاری شناخته می‌شد که یکی از آنها صدیقه است. صدیقه به معنای راست‌اندیشی، راست‌گفتاری و راست‌کرداری است. شخصیت و زندگی فردی و زناشویی حضرت خدیجه (س) از پیش از اسلام تا زمان وفات ترجمان حقیقی صداقت است، که می‌توان آن را در ماجرای ازدواج با حضرت محمد (ص)، پشتیبانی از نهال نوپای اسلام به‌ویژه در حمایت‌های مالی و معنوی او در شعب ابیطالب و همیاری و هم‌اندیش با همسرش در لحظات دشوار رسالت مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: حضرت خدیجه (س)، صدیقه، راستی، زندگی زناشویی.

^۱. مدرسه علمیّه غدیریّه شیراز.

مقدمه

" الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا أَلْهَمَ: حمد و ستایش خدای را بر نعمت‌هایی که ارزانی داشت و شکر و سپاس او را بر اندیشه نیکویی که بر دل نگاشت" (رخساره خورشید، محمد تقی خلجی ص ۱۹). و چه زیباست آغاز سخن با حمد الهی، همان گونه که شیوه حضرت فاطمه زهرا(س)، دخت گرامی حضرت خدیجه(س)، در آغاز خطبه فدک بود.

حضرت خدیجه(س) بنت خویلد اولین همسر پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد مصطفی(ص) با لقب صدیقه شناخته می‌شود. او همسر مردی است که علاوه بر مقام نبوت، امام و رهبر مذهبی و سیاسی امت خویش است. وی از ابتدا به سختی‌های زندگی با همسر خود آگاه است. در این فرصت به نقش صداقت حضرت خدیجه(س) در هم یاری محمد به عبدالله(ص) به عنوان همسر و به عنوان پیامبر امت اسلامی پرداخته می‌شود.

مفاهیم نظری تحقیق

نام و نام گذاری از دیدگاه قرآن کریم دارای جایگاه ویژه‌ای است. خداوند بزرگ پس از آفرینش حضرت آدم(ع) و حوا(س) آموختن اسماء خود به او را بیان می‌کند و می‌فرماید: " وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا: و خداوند همه نام‌ها (ی موجودات) را به او آموخت^۱ ". همسر عمران با مشاهده دختر شایسته اش گفت: " وَ إِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ: البتّه من نامش را مریم(س) نهادم. " ^۲ هنگام بشارت دادن به حضرت زکریا(ع) نام فرزندش را یحیی(ع) می‌نهد و می‌فرماید: " يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا: ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است، مژده می‌دهیم، [و] پیش از این همنامی برای او قرار نداده ایم^۳. این گونه است که خداوند نام دوستان و مقربانش را تعیین می‌کند. (قرآن کریم)

امیر المؤمنین امام علی(ع) هم برای نامیدن فرزندان اهمیت شایانی قائل است. او در حکمت ۳۹۹ نهج البلاغه که حقوق متقابل والدین و فرزندان را بر می‌شمرد، پس از بیان حق والدین بر فرزندان می‌فرماید: " وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَيَّ الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ: و حق فرزند بر والدین اینست که نام نیکو برای او انتخاب کند. " (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی)

۱. بقره، ۳۱.

۲. آل عمران، ۳۶.

۳. مریم، ۷.

حضرت خدیجه (س) در میان قریش با القابی نیکو شناخته می‌شد و هیچ یک از زنان هم سن او این صفات را نداشتند. از پیش از تشرّف به اسلام به دلیل پاکیزگی و برائت از هر آلودگی و زشتی ملقب به "طاهره" بود. در میان خاندان به فضل، کرم، احسان و یاری مستمندان شهره بود از این رو "سیده النساء القریش" نامیده شد. پس از اسلام با تمام وجود به پیامبر و امت نوپای اسلام کمک کرد از این رو خداوند او را شایسته لقب "امّ المؤمنین" دید و او را با لقب مادر زنان و مردان ایمانی ارج نهاد. "سیده نساء العالمین" برترین لقب اوست که جامع تمام صفات نیکوست و در تمام طول تاریخ بشریت فقط به چهار زن تعلق گرفته است. "صدیقه" صفت نیکویی در وصف نهاد راستی سرشت حضرت خدیجه (س) است که در این جا بررسی می‌شود. (انوار درخشان امّ المؤمنین حضرت خدیجه کبری (س)، عباس حاجیان دشتی، صص ۳۱-۲۵، تصویر حضرت خدیجه (س) در تفاسیر و روایات اسلامی، فرزین حبیب زاده)

واژه صدیقه تانیث صدیق است. دارای سه حرف اصلی ص د ق که با کسر صاد و تشدید دال خوانده می‌شود. صیغه مبالغه است، از این رو از نظر معنا رساتر از صدوق است. برخی از زبان شناسان آن را به معنی کسی که همواره راست می‌گوید معنا کرده اند. برخی گفته‌اند کسی که هرگز دروغ نمی‌گوید. به باور برخی صدیق به مفهوم کسی است که در راستگویی در اوج کمال است و گفتار خویش را با رفتار و عملکرد زیبایش تصدیق می‌کند و همواره نیکوکار است. برخی گفته‌اند کسی است که بر اثر عادت به راستگویی از او دروغ و تهمت شنیده نمی‌شود. برخی صدیق را به کسی تفسیر کرده‌اند که گفتار و اندیشه اش راست است و راستگویی خویشتن را با عملکرد درست ثابت بنماید. برخی بر آنند که به معنی کسی است که آنچه را حق و عدالت پسنند با گفتار و عملکرد درست خود گواهی می‌کند. برخی گفته‌اند کسی است که راستی و راستگویی سیره همواره و همیشه اوست. در نقطه مقابل صدیق واژه کذاب است یعنی کسی که بسیار دروغ‌گوست یا کسی که عمل او خلاف گفتار اوست. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۵۴)

انبوهی از آیات قرآنی مقام صدیق و صدیقین را پرفراز ترسیم می‌کند و آن‌ها را هم ردیف پیامبران، شهیدان و نیکوکاران می‌داند. در آیه ۷۵ سوره مائده در معرفی حضرت مریم (س) می‌فرماید: "مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَإِنَّا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أُنظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أُنظِرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ: مسیح، فرزند مریم جز فرستاده‌ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته اند. و مادرش زن بسیار راستگو [و درست کاری] بود." در آیه ۳۹ سوره مریم (س) در معرفی حضرت ابراهیم (ع)، اولین بت شکن تاریخ، صداقت وی را بر می‌شمرد و می‌فرماید: "وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَ فِي هَذَا آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ" [سرگذشت ابراهیم را یاد کن، یقیناً او بسیار راستگو و پیامبر بود]. در آیه ۵۶

همین سوره از ادريس نبی (ع) اینگونه یاد می‌شود. "وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا وَ فِي هَذِهِ آيَاتُ الْكِتَابِ [سرگذشت] ادريس را یاد کن، که او بسیار راستگو و پیامبر بود."

در روایات هم از صدیقین به نیکی یاد شده است. از پیامبر گرامی اسلام (ص) درباره تعداد اندک این برگزیدگان اینگونه نقل شده است: "الْصِّدِّيقُونَ ثَلَاثَةٌ. حَبِيبُ النَّجَّارِ مُؤْمِنٌ، آلِ يَسَّ الَّذِي يَقُولُ يَا قَوْمِ إِنِّعُوا الْمُرْسَلِينَ، وَ حَزَقِلُّ، مُؤْمِنٌ آلِ فِرْعَوْنَ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ هُوَ أَفْضَلُهُمْ: راستگویان سه نفرند. نخستین آن‌ها حبیب نجار مومن آل یس است که گفت ای قوم من! از فرستادگان خدا پیروی کنید. حزقل مومن آل فرعون و علی بن ابیطالب که از همه آن‌ها برتر است. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی صص ۵۹-۵۲) امام علی (ع) در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه در ارتباط بین پرهیزکاری و سخن راست اینگونه می‌فرماید: "فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ: اما پرهیزکاران در دنیا دارای فضیلت‌های برترند. سخنانشان راست است." در نامه به مالک اشتر از ویژگی‌های فرمانروایان می‌فرماید: "وَأَصْبَحَ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ: تا می‌توانی به پرهیزکاران و راستگویان ببیوند." در خطبه ۸۶ می‌فرماید: جَانِبُوا الْكِذْبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ، الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنْجَاهِ وَ الْكَرَامَةِ وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفِ مَهْوَاهِ وَمَهَانَةٍ: از دروغگویان برکنار باشید که با ایمان فاصله دارد. راستگو در راه نجات و بزرگواری است اما دروغگو در لب پرتگاه هلاکت و خواری است." (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی). در نماز میت در تکبیر دوم برای مسلمان تازه درگذشته هم ردیف پیامبران و شهدا صلوه، برکت و رحمت صدیقین درخواست می‌شود.

ژرف نگری در آیات قرآن و روایات نشان می‌دهد که لقب صدیق و به تبع آن صدیقه دارای سه وجه است: راست اندیشی، راست گفتاری و راست کرداری. ایمان و اعتقاد پایه و اساس زندگی دینی - اسلامی است و اعتقاد به خداوند یکتا، تصدیق نبوت پیامبر اکرم (ص)، امامت ائمه معصوم (ع)، پذیرفتن رستاخیز و معاد و باور عدالت الهی از مصادیق راست اندیشی است. راست گفتار کسی که است این باورها را به زبان می‌آورد و آن‌ها را زبانی تبلیغ می‌کند. کسی که کارهای خرد و کلان زندگی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کند که گواهی اعتقادات و باورهای قلبی او باشد راست کردار است. کسی که نماز می‌خواند، خمس و زکات می‌پردازد، به جهاد در راه خدا می‌رود، از اموال خود در راه هدایت مردمان و پیشرفت اسلام انفاق می‌کند و زنی که در همدلی و همیاری همسرش می‌کوشد نمونه‌هایی از راست کرداری هستند. کسی که به دنبال شناخت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و آموزه‌های اسلام است از برترین صدیقان می‌باشد.

بحث و بررسی

اکنون به این بحث پرداخته می‌شود که حضرت خدیجه (س) در گفتار، رفتار و کردار خود چگونه بوده است که مفتخر به لقب صدیقه شده است. در بررسی دقیقتر زندگی زناشویی وی چگونه بوده است که پیامبر اکرم (ص) بارها با لقب صدیقه او را یاد کرده است. از این رو به بررسی نقش صداقت و راستی این بانوی کریمه پیش از ازدواج، در ماجرای ازدواج و پس از آن تا زمان وفات پرداخته می‌شود.

شخصیت و روحیات فرد تعاملی است دو سویه از وراثت و محیط. به این معنا که هرکس به واسطه نیاکان و انساب خود ویژگی‌ها و صفاتی را کسب می‌کند. خصوصیات آن‌ها نقشی ندارد اما مهم تلاش فرد صاحب صفت برای دگرگونی اکتسابات جدی خود در دو جهت خیر و شر است. دو عامل مهم مهندسی شخصیت فرد، خانواده و آموزگار است. دو شخصیت از خاندان حضرت خدیجه (س) که در شکل‌گیری بعد کسب و کار و اندیشه راستی خواهی ابتدایی او نقش بارزی داشتند، حکیم بن حزام برادرزاده او و ورقه بن نوفل پسرعموی اوست. حکیم بن حزام از ثروتمندان حجاز بود. او تمامی درآمد خود را اندوخته نمی‌کرد، بلکه به فقرا، مستمندان و مهمان‌ها بذل و انفاق می‌کرد. حکیم مرتب به منزل عمه اش حضرت خدیجه (س) رفت و آمد داشت و در نظریه پردازی و کسب و کار با وی مشورت می‌کرد. ورقه بن نوفل در تربیت اخلاقی و روحی آن مخدّه بزرگترین اثر را داشت. ورقه نسبت به دنیا و زرق و برق آن بی رغبت بود و زندگی او برای خداشناسی و عبادت بود. همدم تورات و انجیل بود. در پی این بود که از اوصاف پیامبری که این کتاب‌های آسمانی و کتاب‌های دیگر مژده آمدن وی را دادند اطلاعاتی بدست آورد. از پلیدی‌ها و بت پرستی دوری می‌کرد و به حساب و پاداش آخرت سخت معتقد بود. (انوار درخشان امّ المومنین حضرت خدیجه کبری (س)، عباس حاجیان دشتی، صص ۲۵-۲۲ و حضرت خدیجه (س) اسوه ایثار و مقاومت، محمد مهدی اشتهاردی، صص ۳۱-۲۳). حضرت خدیجه (س) با پیروی از این دو خویشاوند خود نه تنها در کسب و کار شهره به پاک دستی و کسب و کار پاک بود بلکه به دنبال یافتن پیامبر آخر الزمان (ص) بود و او را راه راست و پیامبر راستی‌ها و درستی‌ها می‌دانست.

در زمینه کسب و کار حضرت خدیجه (س) دارای تشکیلات تجاری بزرگی در مکه بود که افراد بسیاری برای او کار می‌کردند. انسان‌هایی که اهل صداقت و راستی هستند، هنگام کار و انتخاب افرادی که با آن‌ها کار می‌کنند کسانی را چینه می‌کنند که این صفت در آن‌ها نهادینه شده است. حضرت خدیجه (س) آوازه صداقت، راستی و امانت داری محمد امین (ص) را شنید و سرپرستی یکی از کاروان‌های تجاری خود به شام را به او سپرد. او همچنین غلام درست اندیش، امانتدار و زیرک خود مسیره را همراه او ساخت و از او خواست که به صورت

محرمانه بینش، اندیشه، منطق، گفتمان، خرد و عملکرد محمد امین (ص) را به طور دقیق زیر نظر بگیرد و پس از سنجش و ارزیابی همه را به او گزارش دهد. مسیر به او گزارش داد که محمد بن عبدالله (ص) بت‌ها را حقیرترین و فرومایه‌ترین پدیده‌ها می‌دانست و گفت که در بصرا محمد (ص) برای استراحت زیر درختی آرمیده بود که راهبی چشمش به او افتاد. از نام و نشان او پرسید و سپس به آرامی گفت: "این جوان که زیر سایه این درخت نشسته همان پیام‌آوری است که نوید آمدن او و نشانه‌هایش در تورات و انجیل آمده است. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز صص ۱۵۷-۱۵۶؛ بانوی اول، سید محمد تقی موحد ابطحی صص ۱۱۳-۱۱۱). این سفر معروف به سرپرستی حضرت محمد (ص) برای حضرت خدیجه (ص) منافع مالی شگفت‌آوری به همراه داشت اما دستاورد مهمتر آن ایجاد فرصتی برای آشنایی بیشتر حضرت خدیجه (س) با محمد بن عبدالله (ص) به عنوان همسر آینده بود. سفری که دلدادگی و شیفتگی بانوی حق جوی قریش به او را بیشتر پرورش داد و زمینه خواستگاری و ازدواج آن دو را فراهم کرد.

راستی و صداقت حضرت خدیجه (س) در جریان ازدواج او با پیامبر (ص) هم در کلام و هم در عمل چشم‌نواز است. حدیث نگار نامدار اربلی در این باره این گونه می‌نویسد: خدیجه به راستی بانویی خردمند و خردورز و بسیار پر شرافت بود. او در روزگار خویش از نظر تبار از بهترین قریش، از نظر شرافت و شکوه پرشکوه‌ترین آن‌ها و از نظر ثروت و امکانات ثروتمندترین آن‌ها به شمار می‌آمد. بسیاری از چهره‌های سرشناس برای پیوند با او سخت می‌کوشیدند و خواستگار بی‌قرار او بودند. اما او به آن‌ها پاسخ منفی داد و در همان حال با هوشمندی و آینده‌نگری شگفت به خواستگاری پیامبر (ص) رفت و با درایت و نجابت‌انگیزه‌های انسانی و معنوی خویش را برای این پیشگامی بیان نمود و گفت: "من بخاطر خویشاوندی و هم‌فکری و به دلیل شرافت، امانت، راستی و منش شایسته‌ات دل در گرو مهر تو دارم و بر آن هستم که اگر بپذیری با تو پیمان زندگی مشترک امضا کنم" (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، صص ۱۵۶-۱۵۵). این گفتار حضرت خدیجه (س) به چند نکته اشاره دارد. نکته اول اشاره‌ی وی به اوصاف کریمانه پیامبر اکرم (ص) است که در میان این صفات پس از اشاره به نسب و نیاکان شریف و پاک ایشان و امانت‌داری وی به صفت صداقت و راستی پیامبر (ص) اشاره می‌کند. نشان می‌دهد که حضرت خدیجه (س) به راستگویی، راست‌کرداری و راست‌اندیشی همسر خود خیلی توجه دارد. نکته دوم این که هرکس به این صفت علاقه دارد، حتماً آن را درون خود می‌پروراند و به آن پایبند است. نکته سوم اینکه حضرت خدیجه (س) هدف خود از ازدواج را نه اهداف مادی یا تامین جوانب مالی زندگی بلکه نیات خدایی و اخلاقی از جمله صدق و راستی همسر می‌داند.

مراسم عقد و جشن عروسی با وساطت و رهبری عموی پیامبر ابوطالب (ع) و عمه پیامبر برگزار شد. پس از مراسم حضرت محمد (ص) برخاست تا به همراه ابوطالب (ع) به خانه اش بازگردد. حضرت خدیجه (س) با کمال مهر و احترام به ایشان عرض کرد: "إِلَى بَيْتِكَ فَبَيْتِي بَيْتِكَ و أَنَا جَارِيَتُكَ: بفرما به خانه خودت. خانه من خانه توست و من کنیز تو هستم. در هنگام جشن عروسی حضرت خدیجه (س) به عمویش ورقه به نوفل پول و اموال کلانی داد و گفت: "این‌ها را به حضور محمد (ص) ببر و به او بگو همه این‌ها هدیه‌ای به پیشگاه شماست و هرگونه که می‌خواهی در آن‌ها تصرف کن و هرچه را که از غلامان، کنیزان، املاک و ثروت دارم همه را به احترام و تجلیل از محمد (ص) به آن حضرت بخشیدم. ورقه بن نوفل کنار کعبه آمد و در بین زمزم و مقام حضرت ابراهیم (ع) ایستاد و با صدای بلند گفت: "ای اهل عرب! بدانید که خدیجه شما را به گواهی می‌طلبد که خود و همه ثروت خود از غلامان، کنیزان، املاک، دام‌ها، مهریه و هدایایش را به محمد (ص) بخشیده است. همه آن‌ها هدیه است که محمد (ص) آن‌ها را پذیرفته است و این کار خدیجه (س) بخاطر علاقه، عشق و محبت وی به محمد (ص) بوده است و در این مورد گواه و شاهد باشید (صص ۹۱-۹۲). این عمل حضرت خدیجه (س) علاوه بر اینکه نشان از علاقه و احترام او به پیامبر (ص) است، بلکه نشان از صداقت و راستی این بانوی جلیله در این عشق و محبت است. او رابطه خود و همسرش را بر صداقت بنا نهاد. صداقت و اخلاصی پاک و نهادینه شده که جای هیچ شک و تردیدی را برای بدگمانی پلیدان و بد ذاتان باقی نمی‌گذارد.

پس از ازدواج و در هماهنگی با زندگی عبادی و عرفانی پیامبر (ص)، حضرت خدیجه (س) ایشان را در عبادت‌های خالصانه در کوه حراء همراهی و حراست می‌کرد. در حالی که سعی می‌کرد خلوت نیایش‌های همسرش را برهم نزند، به آرامی برای او غذا می‌آورد و در دهانه غار حراء می‌گذاشت. رابطه هماهنگ این زن و شوهر حکایت از راستی و اخلاص آن‌ها دارد.

بر انگیزته شدن حضرت محمد مصطفی (ص) به مقام نبوت نقطه عطف مهمی در زندگی زناشویی حضرت خدیجه (س) و همسر گرانقدرش است. همسر راستی جوی پیامبر (ص) هنگامی که بعثت او را از زبان خودش شنید بلادرنگ به وی ایمان آورد. درباره ایمان آوردن حضرت خدیجه (س) تاریخ نگاران این داستان را نوشته اند. پس از اینکه فرشته وحی آیات ابتدایی سوره علق را در غار حراء بر پیامبر (ص) خواند او به خانه بازگشت. حضرت خدیجه (س) به استقبال او آمد و چهره ملکوتی او را دید و از همسرش علت را پرسید. او در پاسخ گفت: "هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ قَوْلِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ: خدیجه جان! این فروغ تابناک رسالت است. پس اینک با همه وجود بگو خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد (ص) پیامبر خداست." این همان لحظه‌ای بود که این بانوی راستی پژوه و خردمند تمام عمرش را در پی آن بود و در این مورد بسیار اندیشیده بود. او با همه

وجود به یکتایی الله و رسالت محمد به عبدالله (ص) ایمان آورد و گفت: "أَمَنْتُ وَ صَدَقْتُ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ" و گواهی برای صداقت ایمانی و کلامی خودش فراهم آورد. (انوار درخشان امّ المؤمنین حضرت خدیجه (س)، عباس حاجیان دشتی صص ۱۹۶-۱۸۴)

به دلایل عقلی و نقلی حضرت خدیجه (س) پس از امام علی (ع) اولین مسلمان است. امام علی (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه در بیان سوابق درخشان و فضایل خود می فرماید: "وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرُ رَسُولٍ وَ خَدِيجَةٍ وَ اَنَا ثَالِثُهُمَا: در آن روزها در هیچ خانه‌ای اسلام راه نیافت جز خانه پیامبر اکرم (ص) و خدیجه (س) و من سومین آنها بودم. (نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی). امام حسین (ع) در روز عاشورا هنگام معرفی خود به لشکر دشمن می فرماید: "أَنْشَدَكُمْ اللهُ. هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نَشَا هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟ قَالُوا: بَلَى. شِمَا رَا بَه خَدَا سَوَكَنْدَ مِي دَهَمَ أَيَا مِي دَانِيدَ كَه مَادِرْبَرْزَرِگَ مَن خَدِيجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ نَخْسْتِينِ زَنِ اَيْنِ ائْمَتِ بُوَدَ كَه اِسْلَامَ رَا پَذِيرِفْت. هَمَه حَاضِرَانِ كَفْتَنَد: آری" (حضرت خدیجه (س) اسطوره ایشار و مقاومت، محمد محمدی اشتهاردی ص ۱۲۵). سایر ائمه (ع) هم در مناسبات مختلف به حضرت خدیجه (س) به عنوان اولین زن مسلمان فخر و مباهات کرده اند.

حضرت خدیجه (س) پس از اسلام آوردن به همدلی و همراهی خود با پیامبر (ص) ادامه داد. وی به عنوان وزیری راستین و خردمند تمام تلاش‌های خود را در جهت یاری پیامبر (ص) و پیشرفت اسلام و به تبع آن جزیره العرب مبذول داشت. برای نمونه از امام علی (ع) آورده‌اند که می فرمود: "پیامبر (ص) و مشاور ارجمندش حضرت خدیجه (س) شبی در مورد چگونگی تکان دادن مغزهای خمود بت پرستان و درهم شکستن بت‌ها و پاکسازی کعبه به رایزنی نشستند. آن گاه پیامبر (ص) مرا خواست. هنگامی که به حضورش شرفیاب شدم؛ پس از گفت و گویی کوتاه فرمود: "با من بیا تا به بسوی کعبه برویم." به همراه او تا خانه خدا رفتیم. آن حضرت وارد خانه شده و به من دستور داد تا بر شانه‌ی او پا بنهم و تمام بت‌ها را سرنگون کنم. بیدرنگ فرمانش را به جان پذیرفتم و بت‌ها را سرنگون کردم. آن گاه به خانه برگشتیم و خدیجه (س) را در جریان قرار دادیم.

در سومین سال بعثت، هنگامی که فرشته وحی با این آیات فرود آمد، پیامبر (ص) فرزندان عبدالمطلب را برای یک نشست دوستانه فراخواند. هم در این نشست بود که پیامبر (ص) سه بار خویشاوندان و نزدیکانش را به یکتاپرستی، اسلام، حق و عدالت دعوت کرد و از شرک برحذر داشت. در هر سه بار حضرت علی (ع) دعوت پیامبر (ص) را پذیرفت. چگونگی این نشست و دعوت، با رایزنی و مشورت خدیجه (س) و همکاری شجاعانه او و امام علی (ع) با پیامبر (ص) تشکیل گردید و شام میهمانی با تدبیر و برنامه ریزی این بانوی کمال طلب و راستی خواه و به دست او آماده شد. پیامبر اکرم (ص) در راه اندیشاندن و بیداری مردم هر رویداد ناخوشایندی

را که می‌دید و هر سخن تند و خشونت باری که می‌شنید و هر بیداد و فشاری که بر او وارد می‌شد و آن پیشوای بشردوست را اندوهگین می‌ساخت هنگام بازگشت به سرای خدیجه (س) همه را با آن یار مهربان و آن مشاور خردمند در میان می‌نهاد و خدای توانا به وسیله او رنج‌ها و ناراحتی‌ها را از دل و جان پر معنویت پیامبرش می‌زدود و خدیجه (س) در این مسئولیت وزیر راستین اسلام و مشاور خردمند و شجاع پیامبر (ص) بود: وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صَدَقِ عَلِيٍّ الْاِسْلَامِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَسْكُنُ اِلَيْهَا. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۱۷۹)

نمود دیگری از راستی و صداقت حضرت خدیجه (س) در حمایت همراهی پیامبر اکرم (ص) در زمان شروع دعوت علنی مردم مکه در سال ششم بعثت چهره نمایی می‌کند. در آن سال فرشته وحی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد و پیامبر اعظم (ص) فرمان یافت که پیام خدا را آشکارا به گوش‌ها و جان‌ها برساند. ایشان در موسم حج بر فراز کوه صفا رفت و با صدای رسا مردم را به سوی اسلام و حق فراخواند. اما تاریک فکرات پرست و محافظه کار به سرکردگی ابوجهل، آن نداگر یکتاپرستی و آزادی و برابری انسان‌ها را سنگباران نمودند. سنگی بر پیشانی مبارک پیامبر (ص) خورد و آن را شکافت و خون جاری شد. پیامبر اکرم (ص) به بلندی صفا شتافت. امام علی (ع) که مآقع را شنید به سرعت به در خانه حضرت خدیجه (س) رفت و خبر هجوم را به آگاهی بانوی شجاع دل رساند و هردو به سوی کوه صفا شتافتند. شبانگاه هر سه به خانه بازگشتند و ام المومنین حضرت خدیجه (س) پیامبر (ص) را زیر سایبان و روی سنگ مخصوصش نشانده. مشرکان به منزل رو آوردند و پیامبر (ص) را سنگباران کردند ولی هروقت سنگی از بالای سر می‌آمد دیوارها از او محافظت می‌کردند و اگر از جلوی در می‌آمد حضرت ام المومنین خدیجه الغراء (س) خود را سپر قرار می‌داد و صدا می‌زد: ای مردم قریش! چرا مرا در خانه ام سنگباران می‌کنید؟ آنان با شنیدن صدای حضرت خدیجه (س) برگشتند. (انوار درخشان ام المومنین حضرت خدیجه (س)، عباس حاجیان دشتی ص ۱۷۵)

صداقت و راستی یک حقیقت قلبی و اندیشه ای و اعتقادی انسان هاست. آن‌ها برای این که این حقیقت را در شخصیت خود پایا و ثابت نگهدارند، کارهایی را انجام می‌دهند و از انجام کارهایی خودداری می‌کنند. ایشار و فداکاری، نثارمال و دارایی‌ها و در کمال درجه نثار جان بهترین گواه راستی درستی و اخلاص انسان هاست. در سال هشتم بعثت مشرکین علیه پیامبر اکرم (ص) و یارانش پیمان نامه‌ای نوشتند که با مسلمانان خرید و فروش نکنند. مشرکین نه تنها از قطع معامله با آن‌ها کوتاهی نکردند بلکه آن‌ها را مورد آزار و اذیت بیشتر قرار دادند. قریش به بنی عبدالمطلب گفتند که آشتی میان ما و شما و پیوند خویشاوندی فقط با کشته شدن حضرت رسول (ص) تحقق می‌یابد. از این رو حضرت ابوطالب (ع) تصمیم گرفت فرزند برادرش، وابستگان خود و سایر

مسلمین را به شعب ببرد. به دنبال این تصمیم مشرکان قریش وارد شعب ابیطالب شدند و یاران پیامبر را سخت آزرده. سه سال با همین وضعیت گذشت. زندگی بر بنی عبدالمطلب آن چنان سخت گذشت که صدای فریاد کودکان از شدت گرسنگی از شعب به گوش می‌رسید. رسول خدا (ص)، حضرت ابوطالب (ع) و حضرت خدیجه (س) همه اموال خود را انفاق کردند و به حد گرفتاری و تنگدستی رسیدند. (انوار درخشان امّ المومنین حضرت خدیجه (س)، عباس حاجیان دشتی صص ۱۸۱-۷۵؛ نقش حضرت خدیجه (س) در تحقق هدف بعثت، مژگان دستگردی)

حضرت خدیجه (س) در ایمان قلبی گوی سبقت را نه فقط از تمام زنان روزگار خود بلکه از بسیاری از زنان و مردان مسلمانان صدر اسلام و حتی مسلمانان آتی ربود. خداوند در آیه ۱۵ سوره حجرات درباره صفات مومنین، آن‌هایی که قلباً به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، می‌فرماید: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزِرْ تَأْبُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ". مؤمنان فقط کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش ایمان آورده اند، آن‌گاه [در حقیقت آنچه به آن ایمان آورده اند] شک ننموده و با اموال و جان هایشان در راه خدا جهاد کرده اند؛ اینان [در گفتار و کردار] اهل صدق و راستی‌اند. " خداوند در این آیه از ایمانی سخن می‌گوید که گواه راستی و صداقت دارنده آن است. توصیفی که به حق زینده حضرت خدیجه الغراء (س) می‌باشد. هم او که پس از اسلام و تصدیق پیامبر (ص) تمام اموال خود را برای حمایت از پیامبر (ص) و اهداف الهی و اسلامی اش ایثار کرد.

آیا سند و مدرکی محکمتر و موثقتر از کلام و رفتار پیامبر (ص) در تایید صداقت و راستی حضرت خدیجه (س) وجود دارد؟ پیامبر تا در این جهان بود هرگاه نام خدیجه (س) به میان می‌آمد بارانی از اشک از آسمان دیدگانش فرو می‌بارید و می‌فرمود: "خَدِيجَةُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَ وَاذَرْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانْتَنِي عَلَيْهِ بِمَا لَهَا...: از خدیجه سخن گفتید. کجا مانند خدیجه پیدا می‌شود؟ او هنگامی که مردم مرا دروغگو خوانند به راستی و درستی ام گواهی داد و در راه دین خدا آن بار گران یاری و همراهی مرا به دوش کشید و با دارایی اش مرا در راه دین خدا یاری نمود. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۳۹۴) یکی از همسران پیامبر (ص) در اعتراض به گریه پیامبر (س) برای حضرت خدیجه (س) گفت: "ای پیام آور خدا! چرا گریه؟ آن هم برای بانویی سالخورده که سال هاست جهان را بدرود گفته است. پیامبر (ص) فرمود: "صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ آمَنْتُمْ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَ وُلِدْتُمْ لِي إِذْ عَقَمْتُمْ: هنگامی که شما مرا تکذیب کردید او (در نهایت صدق و راستی) مرا راستگو دانست و هنگامی که شما کفر ورزیدید او به من ایمان آورد و هنگامی که از من بریدید خداوند نسل و تبار مرا از او قرار داد." (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۲۴۹) او

همچنین فرموده است: "ما أبدلنّی الله خیراً منها لقد آمنّت بی حین کفر النّاس و صدّقنّی حین کذبّی النّاس و أشرکتنی فی مالها حین حرّمتی النّاس: خدای فرزانه هرگز همسر و همراه و مشاوری بهتر از او به من ارزانی نداشت. چرا که در آن شرایط بحرانی که مردم واپسگرا به دعوت توحیدی من کفر ورزیدند او به من ایمان آورد. هنگامی که مردم مرا محروم گردانیدند در مالش شریک گردانید." (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۳۹۵). پیامبر اکرم (ص) در شکوه و عظمت ایمان حضرت علی (ع) و حضرت خدیجه (س) به دخت ارجمندش حضرت فاطمه الزهرا (س) فرمود: "إِنَّ عَلِيًّا أَوْلَىٰ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ هُوَ وَخَدِيجَةُ أُمِّي". صداقت ایمانی حضرت خدیجه (س) در شیوه عبادات او هم نمایان است. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۳۹۳). محدث نوری می نویسد: "فَكَانَ أَوْلَىٰ مَنْ صَلَّىٰ مِنَ الرِّجَالِ أُمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةُ". (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، ص ۴۰۵)

شکوه و عظمت حضرت خدیجه (س) در زیارت نامه او هم انعکاس دارد. که چنین آمده است: أَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نَصْرِهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ نَصْرَتِهِ مَا اسْتَطَاعَتْ وَ انْفَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ وَ بَلَّغَهَا مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

در فرازی از زیارت پیامبر اکرم (ص) به طور ویژه به صفت صدیق بودن حضرت خدیجه (س) اشاره شده است: أَسَلَامٌ عَلَيَّ أَزْوَاجِكَ الطَّاهِرَاتِ الْخَيْرَاتِ امّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ خصوصاً الصّدِيقِ الطَّاهِرِ الزّكِيهِ الرَّاضِيهِ الْمَرْضِيهِ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى امّ الْمُؤْمِنِينَ: سلام بر همسران پاک و نیکو کردارت که مادران مردم توحیدگرا و با ایمان هستند. به ویژه بر آن بانوی راستگوی پاک سرشت پاک منش آن بانوی خشنود از مهر الهی و مورد پسند حق خدیجه ارجمند مام راستین و سرمشق درخشان مردمان مومن. (خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز، علی کرمی فریدنی، صص ۶۱-۶۰)

نتیجه گیری

صداقت، راستی و درستی از بنیادی ترین ویژگی شخصیت است و روحی که با این صفت آراسته شد، صاحب بسیاری از صفات نیکو و مبری از بسیاری از صفات رذیله است. راستی و درستی پوسته و ظاهر گوهر اخلاص است کسی که اعتقاد به اخلاص دارد راه راستی و درستی را پیشه می کند. پس هر صفتی که می یابد ناشی از روحیه راستی خواهی و اخلاص جویی اوست. به عنوان مثال اگر کسی به دنبال حق است یا عدالت محور است ناشی از تمایل ذاتی و ابتدایی او به راستی، درستی و اخلاص قلبی است و در بعد عملی کسی که به صداقت و راستی اعتقاد دارد تمام تلاش مادی و معنوی خود را این گونه تنظیم می کند که نماینده اعتقادش باشد. یکی

از صفاتی که زوجین در زندگی زناشویی باید به آن پایبند باشند صداقت و راستی در تمام شئون زندگی است. صداقت باید در شخصیت زوجین نهادینه شده باشد و مشروط نباشد.

طلائیه صداقت در اندیشه و اعتقادات حضرت خدیجه (س) از ابتدای جوانی زمانی که هنوز نور اسلام بر سرزمین حجاز نتابیده بود، چشمگیر است. آن گاه که مردان و زنان مجاور خانه توحید آیین ابراهیم (ع) را به باد فراموشی سپردند، وی به طلوع خورشید آخرین پیامبر الهی در میان نوادگان حضرت ابراهیم (ع) اطمینان داشت. و با وجود زندگی در میان مردم هیچگاه با اندیشه‌های دروغین آن‌ها همسو نشد و اعتقاد به آیین راستی و حق را از دست نداد. حق گرایی و حق جویی او در یافتن راه راست مصداقی از راستی خواهی و راستی اندیشی اوست. وی نشانه‌های نبوت را در اخلاق و رفتار محمد امین (ص) دید و او را به دلیل صداقت و راستی برای ازدواج برگزید صفتی که پس از خویشاوندی و شرافت برای حضرت خدیجه (س) مهمترین است و چه زیبا صداقت و راستی خود در دلدادگی به صفات جلیله فکری و معنوی پیامبر (ص) نشان داد آن گاه که همه دارایی خود را به او سپرد و سخنان نابجا و ناروای زنان قریش را دور ریخت. هنگامی که حضرت محمد مصطفی (ص) به مقام نبوت رسید حضرت خدیجه (س) مسئولیت همسراری خود را سنگینتر دید. از این به بعد وی علاوه بر وظایف یک همسر معمولی باید از نبی یک قوم حمایت کند و در همه زمینه‌های مادی و معنوی یاور او باشد.

در تمام لحضاتی که مردمان قریش به پیامبرشان سخت گرفتند و او را مورد آزار و اذیت جسمی و روحی قرار دادند با همدلی و دلسوزی گرد غم و اندوه را از چهره او می‌زدود. آخرین بارقه‌های صداقت و همدلی حضرت خدیجه (س) در محاصره شعب ابیطالب رخ نمود. آن گاه که با ایثار همه اموال خود کمال صداقت را به همه انسان‌های تاریخ و به همه زنان و مردان مسلمان آموزش داد.

منابع

- قرآن مجید.
- نهج البلاغه، حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع)، ترجمه محمد دشتی.
- ۱. ابطحی، سید محمد تقی موحد، (۱۴۰۰)، بانوی اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲. حبیب‌زاده، فرزین، (۱۳۹۹)، تصویر حضرت خدیجه (س) در تفاسیر و روایات اسلامی، جشنواره ملی بانوی هزاره اسلام حضرت خدیجه (س)، یزد.
- ۳. حاجیان دشتی، عباس، (۱۳۹۴)، انوار درخشان امّ المومنین حضرت خدیجه (س)، ترجمه خدیجه بنت خویلد (س).

۴. شیخ غالب، سیلاوی، *الأنوار الساطعه من الغراء الطاهره*، چاپ اول، قم: مؤسسه انتشارات نبوی.
۵. محمدی اشتهاودی، محمد، (۱۳۷۷)، *حضرت خدیجه (س) اسطوره ایثار و مقاومت*، چاپ اول، تهران: انتشارات نبوی،
۶. کرمی فریدنی، علی، (۱۳۸۳)، *خدیجه (س) فروغ آسمان حجاز*، قم: ناشر نسیم انتظار.
۷. خلجی، محمدتقی، (۱۳۸۴)، *رخساره خورشید*، ترجمه و شرح خطبه حضرت زهرا (س)، چاپ پنجم، قم: انتشارات میثم تمار.
۸. دستگردی، مژگان، (۱۳۹۹)، *نقش حضرت خدیجه (س) در تحقق هدف بعثت*، جشنواره ملی بانوی هزاره اسلام حضرت خدیجه (س)، یزد.